

## بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و مقایسه آن با حقوق ایران

دکتر حیدر حسن زاده\*

### چکیده

اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان همانند اکراه عیب رضا است و به سه نوع تقسیم می‌شود: اعمال نفوذ ناروای واقعی، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص مثل والدین و فرزندان)، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی مثل زن و شوهر) در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم آشکارا زیان بار بودن معامله شرط تحقق آن است. اثر اعمال نفوذ ناروا بر معامله در حقوق انگلستان، قابل ابطال بودن قرارداد است. از آنجاکه مقررات اکراه ما سنتی است و جوابگوی نیازهای امروزی نمی‌باشد و از سوی دیگر اضطرار نیز موجب بی اعتباری عقد نیست؛ لذا پیشنهاد می‌شود که مقررات اکراه و اضطرار ما اصلاح گردد و از تجربیات کشورهای دیگر من جمله حقوق انگلستان استفاده شود ولی از آنجا که تا کنون این اصلاحات انجام نشده است ما در این مقاله در صدد برآمدیم تحت عنوان معاملات اضطراری اکراهی، دایره اکراه را گسترش داده و دایره اضطرار را محدود نماییم. فی ما بین معاملات اضطراری اکراهی در حقوق ایران و اعمال نفوذ ناروا در انگلستان علی‌رغم وجود تفاوت‌های ماهوی، تشابهاتی نیز وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اکراه، اعمال نفوذ ناروای واقعی، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول، اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم، قابل ابطال بودن، اضطرار، انصاف، معاملات نامعقول، حقوق شخص ثالث.

---

\* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

## مقدمه

«اعمال نفوذ ناروا»<sup>۱</sup> تأسیس و نهادی است که در حقوق ایران یافت نمی‌شود و در هیچ یک از متون قانونی و فقهی و آرای دادگاه‌ها به چشم نمی‌خورد. ولی در حقوق انگلستان مورد بررسی دادگاه‌ها و حقوقدانان انگلیسی قرار گرفته است. ما در جهت پرکردن خلاء مذکور در حقوق ایران، اضطرار را نیز مورد بررسی قراردادده و از آنجا که اضطرار در حقوق ایران موجب عدم نفوذ یا بطلان معاملات نیست، معاملات اضطراری اکراهی را مورد بحث قرار داده‌ایم و معاملاتی را که در قالب اکراه قانون مدنی ایران نمی‌گنجد و از سوی دیگر قرار دادن آن در قالب اضطرار موجب بی‌اعتباری معامله نمی‌شود، در قالب اضطرار اکراهی قرار داده‌ایم تا بتوان آنرا به اکراه ملحق نمود و همچنین با معرفی نهاد اضطرار اکراهی و گسترش دایره اکراه و محدود نمودن دایره اضطرار در صدیدیم که نقص قانون مدنی در باب اکراه و اضطرار را برطرف نماییم. در حقوق انگلستان اضطرار در باب قراردادها به‌عنوان یکی از طرق بی‌اعتباری معاملات محسوب نمی‌شود و نهاد اضطرار در باب مسئولیت مدنی بحث شده است؛ لذا در این مقاله نیاز به بررسی اضطرار در معاملات در حقوق انگلستان نیست.

در حقوق انگلستان از آنجاکه اکراه سنتی در واقع کمتر اتفاق می‌افتد لذا نفوذ ناروا را در جهت اعطای جبران خسارت به زیان‌دیدگان ایجاد نموده و گسترش داده‌اند؛ لذا بررسی نهاد اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان می‌تواند راهگشای قانونگذاران و محاکم و حقوقدانان ما در جهت رفع نواقص حقوقی خودمان باشد.

نهاد اعمال نفوذ ناروا توسط دادگاه‌های انصاف در حقوق انگلستان ایجاد شده است و در کتب حقوقی انگلستان و آرای دادگاه‌های این کشور به تفصیل در مورد این نهاد حقوقی بحث و بررسی صورت گرفته است. ولی چنین نهادی در حقوق ایران وجود نداشته و ندارد؛ لذا بررسی همزمان این دو نهاد در این مقاله محال و غیر ممکن

---

<sup>۱</sup>. Undue Influence

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۰۳ .....

است؛ لذا ما در فصل اول، معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان را بررسی خواهیم نمود و در فصل دوم سعی خواهیم نمود تا آنجا که قوانین ما اجازه می‌دهد، ارتباطی بین اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با اکراه و اضطرار اکراهی در حقوق ایران پیدا نماییم.

هم چنین در فصل اول در صددیم که معاملات نامعقول<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان را که اغلب در کتب حقوقدانان انگلیسی به علت تشابه فراوان آن با اعمال نفوذ ناروا در مبحث اعمال نفوذ ناروا مورد بررسی قرار گرفته است، مورد تحلیل حقوقی قرار دهیم و رابطه آنرا با اضطرار و اضطرار اکراهی در حقوق ایران روشن سازیم. دادگاه‌های انگلستان در جهت پرکردن خلاء مذکور نهاد اعمال

## فصل اول: اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معامله در حقوق انگلستان

در این فصل اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان و اثر آن بر معاملات در حقوق مزبور در چهارمبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در مبحث اول مفاهیم و تعاریف اعمال نفوذ ناروا، در مبحث دوم موارد اعمال نفوذ ناروا، در مبحث سوم معاملات نامعقول در حقوق انگلستان و در مبحث چهارم این فصل اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات و موانع آن در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مبحث اول: مفاهیم و تعاریف

این مبحث شامل دو گفتار بوده که در گفتار اول مفهوم اعمال نفوذ ناروا اعم از لغوی و اصطلاحی و در گفتار دوم جایگاه انصاف در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است

### گفتار اول: مفهوم اعمال نفوذ ناروا:

بند اول - مفهوم لغوی:

---

1. Unconscionable Bargains.

عبارت «Undue Influence» در لغت از دو کلمه تشکیل شده است که معنی لغوی «Undue» به معنی زاید و بی‌جهت، غیر ضروری، ناروا، نامشروع، ناحق، موعده نرسیده و زیادی می‌باشد. (Hornby AS & Ruse Christina, 1988. p 684).  
حییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، ۱۳۷۳، ص ۷۵۶، رضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی، ۱۳۸۰، ص ۷۶۲، فرهنگ حقوقی مجد، انگلیسی، فارسی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۵) و معنی لغوی «Influence»، نفوذ، اعتبار، تأثیر، تفوق، تحت نفوذ خود قرار دادن، تحت تأثیر خود قرار دادن می‌باشد. (Hornby AS & Ruse Christina, op.cit.P328، همان منبع، ص ۳۱۲ و رضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی مدین، همان منبع، ص ۳۷۶ و فرهنگ حقوق مجد، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۲۷۱).

لذا معنی لغوی عبارت Undue Influence، اعمال نفوذ ناروا، سوء استفاده از نفوذ خود، اختلاس از راه اعمال نفوذ می‌باشد. (حییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۳۱۲، فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۳۷۶، فرهنگ حقوقی مجد، انگلیسی، فارسی، همان منبع، ص ۲۷۱).

#### بند دوم - مفهوم اصطلاحی:

مفهوم اصطلاحی اعمال نفوذ ناروا از مفهوم لغوی آن دور نیفتاده است و عبارت است از: «نفوذی که شخصی را از اعمال نمودن اراده و نظر مستقل در خصوص هر معامله جلوگیری می‌کند. یک قرارداد یا هبه ناشی از اعمال نفوذ ناروا در معرض ابطال بوسیله دادگاه‌هاست. بکار بردن اعمال نفوذ ناروا بایستی معمولاً به‌طور قاطع و محکم اثبات شود. باید اثبات شود که معامله یا قراردادی هست که در آن یک امتیاز ناعادلانه از شخص دیگر گرفته شده است در مورد روابط خاص (برای مثال بین والدین و فرزند - شوهر و همسر - دکتر و مریض - وکیل و موکل) در فقدان دلیل مخالف اعمال نفوذ ناروا فرض می‌شود که اعمال شده است و بانکها باید به همسران برای کسب مشاوره مستقل و شایسته پیش از رهن گذاشتن خانه خانواده به دستور شوهر دیگر برای وامهای تجاری مشاوره دهند.»

(Martin. ELLIZABETH., 1997, p 481.)

اصطلاح اعمال نفوذ ناروا بوسیله دادگاه‌ها برای توصیف نظریه انصافی اجبار بکار می‌رود که این نظریه شامل انواع فشاری است که نسبت به اکراه غیر مستقیم تر و غیر مهم تر می‌باشد و اعمال نفوذ ناروا هنگامی تشکیل می‌شود که یکی از طرفین به طرف دیگر اعتماد یا وابستگی دارد و شخص مقابل بر اثر این اعتماد و وابستگی، بر روی طرف مقابل نفوذ خود را اعمال می‌نماید که این نفوذ کاملاً بخودی خود طبیعی و صحیح است اما به‌طور نا عادلانه‌ایی اعمال می‌شود. (Beatson. J, 1998 , p 278.)

تئوری اعمال نفوذ ناروا که بوسیله دادگاه‌های انصاف توسعه یافته، مشمول مواردی است که اکراه تلقی نمی‌شود اما یکی از طرفین نفوذ قوی بر روی طرف دیگر دارد و از موقعیت برتر خود برای وادار نمودن طرف دیگر برای انعقاد قرارداد زیانبار، سوء استفاده می‌کند. بنابراین درحالی که اکراه به شخصی که رضایت ظاهری‌اش بوسیله تهدید نا مشروع حاصل شده، جبران خسارت می‌دهد. در اعمال نفوذ ناروا سوء استفاده از اعتماد مطرح است. ( Blum Brian A, Contracts - Examples And Explanations , Second Edition, Aspen Law & Buisness, London, 2001, p 364.)

با ملاحظه موارد فوق معلوم می‌گردد که در اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه رضایت و اراده شخص آسیب می‌بیند ولی غیر از مورد بالا در دیگر موارد اعمال نفوذ ناروا با اکراه متفاوت است که عبارتند از:

- ۱- اکراه توسط کامن لا ایجاد شده است درحالی که اعمال نفوذ ناروا توسط نهاد انصاف تشکیل و تکامل یافته است.
- ۲- در اعمال نفوذ ناروا تهدید وجود ندارد درحالی که در اکراه همیشه تهدید هست.
- ۳- در اعمال نفوذ ناروا بین طرفین در بعضی موارد روابط خاصی مثل رابطه فرزند و والدین، پزشک و مریض و غیره هست.
- ۴- در اعمال نفوذ ناروا طرف قوی از موقعیت برتر خود برای انعقاد قرارداد سوء استفاده می‌کند.

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۰۶

۵- در اکثر موارد در اعمال نفوذ ناروا شخص اعمال نفوذ کننده در صدد کسب امتیازی است.

### گفتار دوم: جایگاه حقوق انصاف در حقوق انگلستان

بند اول - مفهوم لغوی:

کلمه «Equity» در لغت به معنای انصاف، عدالت، دادگستری، عدل، احقاق حق بر مبنای انصاف، دارایی خالص، مایملک شرکاء، سرمایه، بی طرفی، بی غرضی، تساوی حقوق، سهم متعارفی، یک سلسله قواعد حقوقی انگلیسی که علاوه بر قوانین عادی برای اجرای عدالت به حکم انصاف و وجدان تنظیم شده است. ( Hornby AS & Ruse Christina, op.cit. p 213. حییم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی، همان منبع ص ۱۸۹ فرهنگ حقوقی مدین، انگلیسی، فارسی ص ۲۶۴ فرهنگ حقوقی مجدد، انگلیسی، فارسی همان منبع ص ۱۸۸)

بند دوم - مفهوم اصطلاحی:

کامن لا که در رابطه نزدیک با آیینهای دادرسی تشریفاتی به وجود آمده است، در معرض دو خطر قرار داشت: یکی ناتوانی در گسترش، با آزادی کافی، برای رفع نیازهای زمان. دومی تحجر و رکود ناشی از محافظه کاری و کهنه گرایی حقوقدانان. کامن لا از هیچیک از این دو خطر برکنار نماند و از این رو با مشکل بسیار بزرگی مواجه شد که عبارت بود از شکل گرفتن نظامی رقیب که به تدریج جای کامن لا را می گرفت و آن را کنار می زد. این رقیب که اکنون باید از آن سخن بگوییم **انصاف** است. (رنه داوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه صفائی، سیدحسن،

انصاف مجموعه راه حل هایی است که اصولاً در قرنهای پانزدهم و شانزدهم، به وسیله دادگاه مهورداری سلطنتی برای تکمیل و احیاناً اصلاح نظام کامن لا که در آن زمان ناقص و نارسا بود ارائه شد. و علت ایجاد انصاف این بود که نظام کامن لا بد کار می کرد یعنی دادگاههای شاهی نمی توانستند به دعوی رسیدگی کنند یا نمی توانستند راه

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ..... ۱۰۷

حل مناسبی را که خواهان درخواست می‌کرد، ارائه دهند، یا امکان هدایت دادرسی به گونه‌ایی مناسب را نداشتند یا به حکمی که خلاف انصاف بود می‌رسیدند، افراد به موجب افکار قرون وسطی، می‌توانستند مداخله شاه را درخواست کنند و با استناد به دستورهای وجدان از او بخواهند که برای تسهیل جریان عدالت تصمیمی بگیرد، یا راه‌حلی را که مقتضای عدالت است تحمیل کنند و دخالت او در مواردی که تکنیک حقوقی عیب داشت مشروع بود. (همان منبع، ص ۳۳۷).

### مبحث دوم: موارد اعمال نفوذ ناروا

در طبقه‌بندی مقوله‌های متفاوت اعمال نفوذ ناروا بایستی ذکر شود که اعمال نفوذ ناروا می‌تواند یا واقعی یا فرضی باشد. در پرونده BccI V. Aboody (1990) ( Richards. Paul H, p 212.۱۹۹۹۱QB923, Cited In: دادگاه پژوهش طبقه‌بندی زیرین را پذیرفته است.

طبقه اول: اعمال نفوذ ناروای واقعی

طبقه دوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی که این طبقه به دو نوع تقسیم می‌شود. از آنجا که این طبقه‌بندی در پرونده‌های مهم<sup>۱</sup> (ایجاد سابقه قضایی می‌کند) Pitt و O'brein نیز پذیرفته شده است؛ لذا مفید است اگر این موضوع بوسیله ارجاع به طبقه‌بندی «Aboody» بحث شود. (Richards. Paul H, op.cit, p 212.)

### گفتار اول: اعمال نفوذ ناروای واقعی:

در اعمال نفوذ ناروای واقعی بایستی به‌طور قاطع اثبات شود که یک طرف در حقیقت بر روی طرف دیگر اعمال نفوذ را اعمال کرده است و بنابراین قرارداد منعقد شده والا قرارداد منعقد نمی‌شد. دادگاه‌ها هرگز تلاش نکرده‌اند تا با دقت، اعمال نفوذ ناروا را تعریف نمایند. که

به‌عنوان عمل نادرست و غیر منصفانه- اعمال فشار از خارج با حيله پيشدستي

---

1- Leading cases.

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ..... ۱۰۸

کردن بر، شکلی از فریب دادن و معمولاً اگر چه نه همیشه امتیاز شخصی که بوسیله طرف خطا کار بدست آورده می‌شود، توصیف شده است. مثالهایی وجود دارند: اجبار اراده یک شخص دارای عقل ضعیف بوسیله ادعای داشتن نیروهای خارق‌العاده، گرفتن امتیاز از خانمی که از وابستگی شدید مذهبی رنج می‌برد یا شخصی که به راست بودن پیغامها از طرف مرده که به وسیله ارواح منتقل می‌شود، ایمان دارد - سوء استفاده نمودن از ترس یک پسری که از وضعیت سلامتی پدرش نگران است. (Furmston. (p 316.۱۹۹۱MP,

بنابراین در اعمال نفوذ ناروای واقعی، شخص بایستی چنان تسلط و کنترلی بر روی ذهن و اراده طرف دیگر داشته باشد که استقلال در تصمیم‌گیری به‌طور اساسی آسیب بیند و این تسلط برای انعقاد معامله باشد. در این صورت معامله به‌علت اعمال نفوذ ناروای قابل ابطال خواهد بود. (Beatson. J, op.cit, p 279.)

بنابراین برای استناد به اعمال نفوذ ناروای واقعی موارد زیر بایستی توسط خواهان اثبات شود.

۱- طرف قرارداد بایستی قابلیت اعمال نفوذ بر روی طرف دیگر را داشته باشد.

۲- اعمال نفوذ فوق بایستی اعمال شود.

۳- اعمال نفوذ بایستی ناروا باشد.

۴- اعمال نفوذ بایستی متوجه آن قرارداد خاص باشد.

پس از اثبات موارد فوق، قرارداد به‌علت اعمال نفوذ ناروا واقعی قابل ابطال است و نیازی به اثبات روابط خاص بین طرفین و سوء استفاده از آن روابط نیست.

اعمال نفوذ ناروای واقعی در پرونده‌هایی مانند **Williams V. Bayley** و

**Norton V. Reilly** و **Smith V. Kay** مطرح شده است.

اعمال نفوذ ناروای واقعی بخودی خود جبران خسارت اعطا می‌نماید و ضروری نیست که معامله مورد نظر به‌طور آشکار برای شخص اعمال نفوذ شده زیانبار باشد. درحالی‌که هم چنان که بعداً خواهیم دید در اعمال نفوذ ناروای فرضی اثبات چنین



بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۰۹

زیانی برای ابطال معامله لازم و ضروری است. ( Beatson. J, op.cit, p 279 , Elliott Catherine And Quinn Frances (p 181.۲۰۰۱)

با ملاحظه نظرات و آرای دادگاه‌ها معلوم می‌شود که در اعمال نفوذ ناروای واقعی هر چند ممکن است معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا برای شخص خواهان ابطال معامله زیانبار نیز باشد ولی اثبات زیانبار بودن معامله برای ابطال معامله لازم و ضروری نیست. در واقع اعمال نفوذ ناروای واقعی تا حدودی شبیه اکراه است ولی به‌علت اینکه شرایط اکراه را ندارد، اکراه نیست مثال برای این تشابه این است که شخص در مقابل شخص دیگر به‌علت تهدید به تعقیب کیفری تعهد پرداخت مبلغی پول می‌نماید. این مثال اکراه نیست چون ما نمی‌توانیم بگوییم که مکره هیچ جایگزین عملی ندارد یا فشار اعمال شده نا مشروع است. اما آن تعهد غیر منصفانه است و نمی‌تواند تایید شود. (Elliott Catherine And Quinn Frances , op.cit , p 181.)

این نوع از اعمال نفوذ ناروا (واقعی) امروز خیلی خیلی نادر اتفاق می‌افتد چون که یک نزدیکی (اختلاط) مداوم این قسمت با اکراه وجود دارد. یک مثال از این مورد در پرونده Flower V. saddle ( Richards. ) 1D Q BD 572, Cited In: (1882) Pual H, op.cit, p 213. دیده می‌شود جایی که تعهد به پرداختن مبلغی پول بوسیله تهدید به تعقیب جزائی بدست آورده شده بود. رأی داده شد که آن تعهد به خاطر اعمال نفوذ ناروا باطل باشد امروزه چنین عملی در قلمرو اکراه قرار می‌گیرد. (Richards. Paul H, op.cit, p 213.)

بنابراین با ملاحظه نظرات و آرای فوق می‌توان گفت که امروزه اکثر موارد اعمال نفوذ ناروای واقعی، موضوعی اکراهی تلقی می‌شوند و به‌علت گسترش دایره اکراه، حوزه اعمال نفوذ ناروای واقعی کاهش یافته است؛ لذا این نوع از اعمال نفوذ ناروا کمتر اتفاق می‌افتد.

### گفتار دوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص)

درحالی که مقوله‌های روابط خاص منحصر نیستند، انواع خاصی از روابط به‌طور

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۱۰

خودکار مستلزم وجود اعمال نفوذ ناروا است. برای مثال رابطه بین امین و ذینفع، وکیل و موکل، والدین و بچه، رهبر و ناصح مذهبی و مرید و عضو کلیسای بخش ( op.cit, pp. 213. 214.

اگر طرفین در زمان معامله در رابطه خاص امانی با طرف دیگر هستند، اعمال نفوذ ناروا فرض می‌شود. بار اثبات دعوی بر عهده طرفی است که منفعت را کسب نموده تا متقاعد کند که دعوا فارغ از اعمال نفوذ ناروا بوده است. در پرونده «V. powell (powell)» ([1900] 1 Ch. 243, Cited In: Guest. A.G, 1968, p 173.) یک مصالحه ارادی به وسیله دختر در اثر اعمال نفوذ نامادری اش به نفع فرزندان نامادری منعقد شد. قاضی فارول<sup>۱</sup> گفت: «بر طبق منابع معتبر برای من بنظر می‌رسد که مسأله فشار واقعی یا حیله - امتیاز ناروا یا فقدان اطلاع از اثر سند وجود ندارد. و صرف وجود رابطه امانی فرض را ایجاد می‌نماید. و باید این فرض بوسیله متهم رد شود حتی اگر طرفی که خواهان ابطال نمودن معامله است نتواند اثبات کند که اراده اش صرفاً «یک وسیله (کانال)ی بوده که از طریق آن اراده خواننده اعمال شده است.» او تنها با اتکاء به فرض مستحقق ابطال و فسخ معامله خواهد گردید. ( Guest. A.G, , pp. 173 , 174.»

در این نوع اعمال نفوذ ناروا روابط خاص به‌عنوان یک امر حکمی به فرض اعمال نفوذ ناروا منجر می‌شود. برای طرف درخواست کننده ابطال معامله ضروری نیست که ثابت کند که او در واقع به طرف دیگر امید و اعتماد داشته است. در چهارچوب این گروه از پرونده‌ها، نظر داده شده که فرض اعمال نفوذ ناروا بین والدین و بچه، قیم و مولی علیه، روحانی و مرید - دکتر و مریض، وکیل و موکل - امین و مالک واقعی اعمال می‌شود. این فرض به تعدادی از معاملات البته نه همه معاملات بین نامزدها اعمال می‌شود. بنابراین آن به مصالحه‌یی که پیش از ازدواج ایجاد می‌شود که بوسیله آن همسر موافقت می‌کند که در ازای پرداخت فوری و کم از مبالغ بزرگی که باید به او

---

1. Farwell.

به عنوان یک بیوه تعلق گیرد، دست بکشد، اعمال می شود و این فرض به بخشش حلقه نامزدی گراف قابل اعمال نخواهد بود. قاعده نمی تواند بین شوهر و همسر و مابین کارفرما و کارگر اعمال شود. این قاعده نمی تواند به همه روابطی که امانی هستند در مفهومی که آنها به وظیفه افشاء منتهی می شوند، اعمال شود. بنابراین آن نمی تواند بین نماینده و اصیل اعمال شود. قاعده ممکن است حتی بعد از اینکه رابطه متوقف شده است نیز اعمال شود اگر اعمال نفوذ ادامه پیدا کند برای مثال بین وکیل و موکل سابق و بین والدین و بچه برای زمانی کوتاه بعد از این که بچه به سن قانونی می رسد اما نه به محض این که بچه از کنترل خانوادگی آزاد می گردد. حتی ازدواج فرزند نمی تواند مطلقاً این اثر را داشته باشد. ( , pp. 378 , 379. ۱۹۹۵ Treitel. G.H )

فرض اعمال نفوذ ناروا نمی تواند اعمال شود حتی اگر یک رابطه خاص نتواند معامله مورد نظر را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین پیشنهاد شده است که فرض قابل اعمال نخواهد بود، اگر وکیل اسبی را از موکلی که او را برای اقامه دعوی افترا وکیل گرفته بود، بخرد. (Treitel. G.H, op.cit , p 381.)

پس صرف وجود رابطه خاص بین طرفین معامله موجب ابطال قرار داد نخواهد شد، اگر آن رابطه تأثیری در معامله مورد نظر نداشته باشد.

#### گفتار سوم: اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی)

جایی که فرض به عنوان امر حکمی قابل اعمال نیست معذالک یکی از طرفین می تواند بر اساس واقعیات خاص هر پرونده (اوضاع و احوال خاص هر پرونده) اثبات نماید که او به طرف دیگر اعتماد نموده است که در اثر این اعتماد فرض اعمال نفوذ ناروا مطرح می شود. (Beatson. J, op.cit, p 280.)

بنابراین زیان دیده قادر خواهد بود معامله را صرفاً با اثبات اینکه او به شخص متخلف اعتماد کرده است، ابطال نماید. بدون اینکه به اثبات اعمال نفوذ ناروای واقعی نیاز باشد. (Richards. Paul H, op.cit. p 214.)

رابطه شوهر و همسر یک مثال خوب از مقوله روابطی است که در چهار چوب

قسمت دوم نوع اول قرار می‌گیرد که بخودی خود اعمال نفوذ ناروا وجود ندارد. بلکه بایستی به‌عنوان یک موضوع اثبات شود. این امر در پرونده‌های

V. ((1911) AC 120, Cited In: Richards. Paul H, op.cit, p 214.)

Howes V. Bishop و Bank Of Montreal Stuart ثابت شده است. ((1909) 2 KB 390, Cited In: Richards. Paul H, op.cit, p 214.)

و دوباره در پرونده Midland Bank Plc V. Spemphard (1988) 3 ALL (ER 17, Cited In: Richards. Paul H, op.cit, p 214.) تأیید شده است. در

پرونده Kingsnorth Trust Ltd V. Bell همسر قادر به اثبات اعمال نفوذ ناروا به این صورت بودی که شوهر به‌عنوان نماینده بانک در ایجاد توافق همسر برای معامله خاص تلقی شد. مشابهتاً در پرونده BCCI V. Aboody یک همسر برای ابطال مسئولیت در برابر بانک در مورد معامله ضمانت که همسر برای انعقاد معامله بوسیله شوهر اغوا شده بود، قادر شد بر این مبنای که بانک واقعاً یا ضمناً از اقدامات شوهر در اعمال نفوذ ناروا بر روی همسرش یا تدلیس در مورد میزان مدیونیت همسر به بانک آگاهی داشته است. (1986) 1 ALL ER 423, Cited In: Richards. (Paul H, op.cit, p 214.)

در این گروه از پرونده‌ها رابطه باید رابطه‌ی باشد که در آن طرف متقاضی ابطال قرار داد در حقیقت به طرف دیگر امید و اعتماد داشته است. بنابراین آن برای آن طرف که اثبات نماید که رابطه به نوع و طبقه کلی از انواع توصیف شده بالا تعلق دارد. حقیقت امر این است که او باید به‌عنوان امر موضوعی اثبات کند که به طرف دیگر اعتماد و امید داشته یا آن طرف بر او تسلط پیدا کرده است. اگر او این امر را اثبات کند تأثیر اعمال نفوذ ناروا بر معامله خاص فرض خواهد شد.

در واقع این فرض به تمام روابط گوناگونی که در آنها تسلط بوسیله یک شخص بر روی شخص دیگر اعمال می‌شود، قابل اعمال است. بنابراین جایی که مرد جوانی در حین مشکلات مالی در صدد کسب مشاوره از فامیل خیلی مجرب بر می‌آید که او

خودش مال فرد جوان را به یک سوم بهای مناسب می‌خرد و جایی که یکی از اعضای کمیته تأسیس شده برای ایجاد مرکز فرهنگی مسلمانان در لندن بوسیله یک عضو شریک برای خریدن خانه دیگری از او برای این هدف به قیمتی که به‌طور فزاینده‌یی از قیمت بازاری‌اش بیشتر است، وادار شد، معامله بر مبنای این که خوانندگان موفق به رد فرض اعمال نفوذ ناروا نشده‌اند، ابطال شد. (Guest. A.G., op.cit. p 176)

با ملاحظه نظرات حقوقدانان و آرای دادگاه‌ها می‌توان گفت که در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم خواهان ابطال معامله بایستی اثبات نماید که به طرف دیگر (اعمال نفوذ کننده ناروا) اعتماد و اطمینان نموده است و صرف اثبات وجود رابطه (مثل رابطه زن، شوهر، بانکدار و مشتری و غیره) برای اثبات اعمال نفوذ ناروا کافی نیست بلکه بایستی اثبات شود که در این روابط یک طرف به طرف دیگر اعتماد نموده و از این اعتماد سوء استفاده نیز شده است.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی شرط دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه دعوا برای ابطال معامله بر مبنای اعمال نفوذ ناروای فرضی پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه معامله برای شخص خواهان به‌طور آشکار زیانبار باشد. این شرط اولاً مشکوک و مبهم بوده. ثانیاً: از پرونده مورگان اخذ شده است. (Beatson. J , op.cit, p 282.)

این نوع اعمال نفوذ در پرونده های *Loyds Bank Ltd V. Bundy* و پرونده *National Westminster Bank Ltd V. Morgan* و پرونده *Royal Bank of Scotland* مطرح شده است.

اگر طرف مقابل اعمال آزادانه اراده مستقل را اثبات کند، فرض اعمال نفوذ ناروا رد می‌شود. معمول‌ترین روش انجام این کار این است که ثابت کند که طرف دیگر مشاوره مستقل پیش از انعقاد معامله دریافت داشته است. اما صرف این موضوع که مشاوره مستقل داد شده، ضرورتاً معامله را نجات نخواهد داد بلکه مشاوره باید شایسته و مبتنی بر آگاهی از تمام حقایق مربوطه باشد. هم چنین پیشنهاد شده است که مشاوره مستقل باید هم چنین معامله را تأیید کند و باید از مشاوره او پیروی شود. این امر ممکن

است ضروری باشد جایی که مخصوصاً اعمال نفوذ قوی است یا جایی که بخشش خیلی بزرگ انجام شود. اما این امر در هر مورد ضروری نیست. در واقع هیچ قاعده ثابت وجود ندارد که مشاوره مستقل برای نجات معامله ضروری است اگر شخص ذینفع تضمین نکرد که چنین مشاوره داده شده است، عنصر احتیاط را از دست خواهد داد. (Treitel. G.H , op.cit.P381)

لذا برای رد اعمال نفوذ ناروای فرضی (نوع اول و دوم) بایستی اثبات شود که شخص زیان دیده با اراده آزاد و فارغ از هر اعمال نفوذ عمل نموده و معمولی‌ترین روش اثبات این امر این است که فرد مزبور مشاوره مستقل با آگاهی از تمام واقعیات دریافت داشته است و در برخی موارد مانند هبه و وجود اعمال نفوذ قوی، این مشاوره بایستی پیروی هم بشود و مشاوره باید معامله را تأیید کند. اگر اوضاع و احوال خاص هر پرونده ثابت نماید که واهب اراده خود را آزادانه اعمال نموده است، فرض اعمال نفوذ ناروا رد خواهد گردید اگرچه مشاوره مستقل داده نشده باشد و در صورت وجود مشاوره مستقل به مشاوره مزبور اهمیتی داده نشده است.

#### مبحث سوم: معاملات نامعقول در حقوق انگلستان:

قبل از بررسی معاملات نامعقول در حقوق انگلستان بایستی بیان داشت که در حقوق انگلستان اصطلاح «Necessity» به معنای اضطرار، نیاز، احتیاج و ضرورت می‌باشد. (فرهنگ حقوقی مدین، همان منبع، ص ۴۹۷). و در حقوق انگلستان در مبحث شبه جرم اضطرار و ضرورت تنها به‌عنوان یکی از طرق معافیت از جبران خسارت با حصول شرایطی می‌باشد. (t. p ۱۹۸۹C.F. pad Field, Law made simple). 198؛ لذا اضطرار در حقوق انگلستان موجب بطلان یا قابل ابطال بودن معامله نیست. ولی مصداقهای اضطرار در حقوق ما که موجب بی‌اعتباری عقد نیست، در حقوق انگلستان تحت قالب معاملات نامعقول در اکثر موارد موجب بی‌اعتباری (قابل ابطال بودن) عقد خواهد شد.

حتی در صورت فقدان اعمال نفوذ ناروای واقعی یا فرضی، گاهیگاهی انصاف به

معاملات نا معقول به علت اینکه یک طرف از ضعف طرف دیگر سوء استفاده نموده، جبران خسارت اعطا می‌نماید. (Birks. Peter , English Private Law, Volume II , Oxford , 2000 , p 79.) مبحث معاملات نا معقول اغلب با اکراه و اعمال نفوذ ناروا در یک مبحث در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد و تشابهات فراوانی مخصوصاً با اعمال نفوذ ناروا دارد، لذا ما نیز به تبعیت از حقوقدانان انگلیسی معاملات نا معقول را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### گفتار اول: معاملات جذاب<sup>۱</sup>

یکی از موارد معاملات نا معقول، معاملات جذاب است. معامله جذاب معامله‌ای خاص است که در آن به علت وجود اوضاع و احوال خاص، طرف قویتر بر روی طرف ضعیف تر کنترل و سلطه دارد. نمونه چنین معاملاتی، معاملات وراثت منتظر است. انصاف به وراثت منتظر یعنی اشخاصی که منتظر ارث بردن مالی هستند که در صورت مرگ شخصی این امر محقق خواهد شد (ارث بردن)، جبران خسارت اعطا می‌نماید. (Beatson. J, op.cit, p 287.)

معامله جذاب، معامله‌ای است که در آن جنسی معمولاً به قیمت ارزان به کسی فروخته می‌شود و در حالت عادی فروختن جنس به قیمت ارزان موجب ابطال معامله نیست و طرف قرارداد خود باید منافع خویش را تأمین نماید ولی اگر یک طرف معامله وراثت منتظر باشد، فرض می‌شود که از فرد مزبور امتیاز ناروا اخذ شده است. لذا شخصی که امتیازی را بدست آورده، بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه بوده است والا معامله ابطال خواهد شد.

### گفتار دوم: معامله با اشخاص بی سواد و فقیر:

انصاف معمولاً از شخصی که اعمال ابلهانه انجام می‌دهد، حمایت نمی‌نماید ولی انصاف در مواردی که اشخاص فقیر و جاهل (بی سواد) به علت فقدان مشاوره مستقل

---

<sup>1</sup>Catching Bargains.

فریب خورده‌اند، حمایت می‌نماید. معاملات اشخاص فقیر و بی سواد زمانی قابل حمایت است که متضمن ضرری بوده و طرف مقابل منفی به ناروا کسب نموده باشد همانند مورد اول در این موارد شخص منتفع بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه بوده است والا معامله ابطال خواهد شد. (Beatson. J , op.cit , pp 287 , 288.) بنابراین همانند معاملات جذاب در معاملات اشخاص بی سواد و فقیر نیز برای اینکه جبران خسارت توسط دادگاه انصاف اعطا شود، شرایطی لازم است که این شرایط عبارتند از اولاً: از اشخاص فقیر و بی سواد امتیاز نا عادلانه و غیر منصفانه اخذ شده است.

ثانیاً: عوض معامله کافی نیست.

ثالثاً: فقدان مشاوره حقوقی مستقل.

با اثبات موارد فوق توسط شخص بی سواد و فقیر، شخص منتفع بایستی اثبات نماید که معامله منصفانه و عادلانه و معقولانه بوده است والا ابطال خواهد گردید.

#### گفتار سوم: نابرابری قدرت معامله‌یی:

تعدادی از بیانات قضایی حاکی از آن است که اگر شخصی از طرف دیگری امتیاز ناعادلانه کسب نماید، آن قرارداد ممکن است به علت وجود نابرابری قدرت معامله‌یی بین طرفین ابطال شود. (Treitel. G.H , op.cit. p 382.)

البته دیدگاه غالب در حقوق انگلیس این است که جبران خسارت بر مبنای نابرابری قدرت معامله‌یی به طور کلی و عمومی در دسترس نیست. (Birks. Peter , op.cit, p 79.)

اصل نابرابری قدرت معامله‌یی طرفین اولین بار بوسیله لرد دنینگ در پرونده Bundy علیه Loyds Bank Ltd بیان شده است. او به تعدادی از قواعد (قبلاً در این مورد بحث شد) که بر مبنای آن قانون جبران خسارت علیه قراردادهای ناعادلانه می‌دهد، اشاره کرده و از آنها قاعدی کلی استخراج می‌کند که «..... حقوق انگلیس جبران خسارت می‌دهد به هر شخصی که بدون مشاوره مستقل، بر مبنای شرایطی که خیلی ناعادلانه هستند، قرار دادی منعقد کرده یا اموال را در برابر عوضی که به‌طور



بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ..... ۱۱۷

آشکار نابرابر است منتقل می‌کنند، زمانی که قدرت معامله‌ی‌اش شدیداً به دلیل احتیاجات یا امیالش یا به وسیله جهل یا ناتوانی‌اش به علاوه اعمال نفوذ ناروا و یا فشار ناروایی که بر او بوسیله دیگری یا برای منفعت دیگری وارد شده است، آسیب دیده است» استخراج می‌کند. (Treitel. G.H , op.cit. p 38 , 384.)

لرد دنینگ معتقد است که اصل نابرابری به اشخاص جبران خسارت (حق ابطال قرارداد) طبق شرایط زیر اعطا می‌نماید.  
اولاً: شرایط معامله نا عادلانه و غیر منصفانه است یا مالی به قیمت ارزان فروخته شده است.

ثانیاً: معامله بدون کسب مشاوره مستقل منعقد شده است.

بنابراین اگر یکی از این شروط مفقود باشد، اصل مزبور طبق عقیده لرد دنینگ قابل اعمال نیست ولی این اصل توسط دادگاه‌ها پذیرفته نشده است و دادگاه‌های انگلیس معتقدند که نیازی به این اصل برای اعطای جبران خسارت نیست چون تأسیس‌های دیگر مانند اکراه اقتصادی و اعمال نفوذ ناروا و غیره این جبران خسارت را اعطا می‌نمایند.

#### **مبحث چهارم: اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات و موانع آن در حقوق انگلستان**

در این مبحث که شامل سه گفتار مجزا می‌باشد، اثر اعمال نفوذ ناروا بر معامله درگفتار اول، با اثبات دعوی درگفتار دوم، موانع جبران خسارت طی چهاربند درگفتار سوم مورد بررسی قرار گرفته است.

### گفتار اول: اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات

در خصوص اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات در حقوق انگلستان بایستی گفت: اجماع آرای دادگاه‌ها و نظریات حقوقدانان انگلیسی بر آن است که معامله قابل ابطال است نه باطل.

بنابراین اثر اعمال نفوذ ناروا برقرار داد این است که به جای «باطل نمودن»<sup>۱</sup> قرارداد، آنرا «قابل ابطال»<sup>۲</sup> می‌سازد. در نتیجه زیان دیده بایستی اقداماتی را برای ابطال قرار داد بوسیله فسخ آن انجام دهد. (Richards. Paul H, op.cit. p 235. Treitel. G.H. op.cit. p 384. Furmston. M.P. op.cit.p 320 , Guest. A.G., op.cit, p 178, Beatson. J, op.cit, P 284 , Keenan. Denis, op.cit, P132, Amblin. C.H, Wright F.B, Introduction To Commercial Law, Second Edition, Sweet & Maxwell, London, 1982, p. 77. به عبارت دیگر جایی که اعمال نفوذ ناروای واقعی اثبات می‌شود یا جایی که اعمال نفوذ فرض می‌شود و اعمال نفوذ ناروا نمی‌تواند بوسیله طرف قرارداد (خواننده) رد شود، معامله قابل ابطال است. (Willmott. Lindy, op.cit, p 523.)

در واقع جبران خسارتی که انصاف به معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا اعطا می‌نماید، قابل ابطال بودن معامله است. بر این اساس شخص خواهان (زیان دیده) می‌تواند معامله مزبور را فسخ نماید. ملاحظه می‌شود اثر اعمال نفوذ ناروا بر معاملات در حقوق انگلستان مانند اثر اکراه بر معامله در حقوق انگلستان می‌باشد و هیچ فرقی در این خصوص با همدیگر ندارند. در حالی که اثر معامله اکراهی در حقوق ایران عدم نفوذ است نه قابل ابطال بودن معامله.

### گفتار دوم: بار اثبات دعوا

جایی که روابط خاص (مانند رابطه والدین و فرزندان) و روابط مبتنی بر اعتماد واقعی (مانند روابط زن و شوهر) ادعا می‌شود. بار اثبات اینکه آن رابطه وجود دارد بر عهده

---

1.Void.  
2.Voidable.

طرفی است که ابطال قرار داد را درخواست می کند. (شخص زیان دیده) به محض اینکه این بار دلیل توسط طرف انجام شد، بر عهده طرف ذی نفع قرار داد است که فرض اعمال نفوذ ناروا را رد نماید. (Treitel. G.H , op.cit, p 380.)

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) مانند رابطه بین والدین و فرزند و وکیل و موکل فرض اعمال نفوذ ناروا از صرف وجود روابط مزبور استنباط می شود و نیازی نیست که زیان دیده اثبات نماید که در واقع به طرف دیگر اعتماد کرده است و تنها کاری که خواهان بایستی انجام دهد، این است که این روابط را اثبات نماید و با اثبات این روابط اعمال نفوذ ناروا فرض می شود مگر اینکه خواننده فرض مزبور را رد نماید.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی)، فرض اعمال نفوذ ناروا از این ایجاد می شود که خواهان (زیان دیده) اثبات می نماید که در واقع به شخص متخلف اعتماد کرده است. پس از اثبات اعمال نفوذ ناروا، بار اثبات به خواننده منتقل می شود که او نیز بایستی فرض اعمال نفوذ ناروا را رد نماید. والا معامله به درخواست خواهان ابطال خواهد شد.

در اعمال نفوذ ناروای واقعی از آنجا که روابط امانی بین طرفین وجود ندارد؛ لذا زیان دیده (خواهان) بایستی اثبات نماید که خواننده اعمال نفوذ ناروا را بر روی وی برای انعقاد معامله معین، اعمال نموده است و پس از اثبات اعمال نفوذ ناروا توسط خواهان، معامله قابل ابطال است مگر اینکه طرف مقابل اثبات نماید، اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه علت قرار داد نبوده است.

#### گفتار سوم: موانع جبران خسارت:

جبران خسارت برای اعمال نفوذ ناروا به دلایل مشابهی که طبق آنها حق فسخ برای تدلیس ممنوع می شود، ممنوع می گردد که در این موارد معامله مزبور نمی تواند توسط زیان دیده فسخ گردد. این موارد عبارتند از ۱ - عدم امکان استرداد ۲ - تأیید معامله ۳ - تأخیر ۴ - حقوق شخص ثالث که ذیلاً هر یک را به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۲۰

**بند اول- عدم امکان استرداد:** برای اینکه معامله بتواند فسخ شود بایستی طرفین به وضعیت اولیه و ابتدایی خود برگردانده شوند و هر طرفی باید آنچه را که دریافت داشته، مسترد نماید. (Beatson. J, op.cit, p 284.)

در پرونده‌های اعمال نفوذ ناروا طرفی که خواهان ابطال قرار داد است، باید منافعی که او بر اساس قرارداد بدست آورده، استرداد کند و به او ممکن است اجازه داده شود علیرغم این موضوع که او نمی‌تواند استرداد دقیق انجام دهد، قرار داد را ابطال نماید تا آنجا که قاعده انصاف می‌تواند یک نتیجه‌ای که تقریباً منصفانه است، بدست آورد. این موضوع (ابطال قرارداد علیرغم عدم امکان استرداد دقیق) می‌تواند در پرونده *management Agency & music ltd* علیه *o'sullivan* نشان داده شود (Beatson. J, op.cit, p 284.)

**بند دوم - تأیید معامله:** یک دعوا برای جبران خسارت بر مبنای اعمال نفوذ ناروا بوسیله تأیید معامله بعد از اینکه اعمال نفوذ یا رابطه منجر به فرض اعمال نفوذ متوقف شد، ممنوع می‌شود. این امر در نظر گرفته شده است که تأیید حتی اگر بدون مشاوره مستقل و با جهل به حق فسخ معامله انجام شود، موثر است. در حالی که امروزه حقوق باید در این موضوع با قاعده‌یی که در پرونده‌های تدلیس و نقض وجود دارد، هماهنگ شود که بر طبق آن قاعده تأیید بر آگاهی شخص زیان‌دیده از حق فسخ، نیاز دارد. (Treitel. G.H , op.cit. p 385.)

به عبارت دیگر قراردادی که به وسیله اعمال نفوذ ناروا منعقد شده نمی‌تواند بعد از تأیید اعم از صریح یا ضمنی فسخ شود، همچنانکه در پرونده *skinner* علیه *All card* دیده شد. (Furmston. MP, op.cit. p 320.)

در حقوق انگلستان اگر معامله توسط زیان دیده تأیید شود، دیگر معامله قابل فسخ نیست البته تأیید صحیح دارای شرایطی است که عبارتند از:

۱- تأیید بایستی پس از زوال اعمال نفوذ ناروا یا رابطه منجر به اعمال نفوذ ناروا انجام شود والا حق فسخ باقی خواهد بود.

۲- تأیید بایستی مبتنی بر آگاهی شخصی زیان‌دیده از حق انصافی خود (حق فسخ) باشد یعنی خواهان مطلع باشد که حق فسخ قرار داد را دارد والا در صورتی که آگاهی از حق فسخ خود نداشته باشد، تأیید مزبور صحیح نخواهد بود.

۳- تأیید بایستی صریح یا ضمنی باشد تأیید صریح مانند اینکه بگوید. من معامله را تأیید نمودم. تأیید ضمنی آن است که شخص بدون گفتن عبارت «تأیید نمودم» معامله را تأیید می‌نماید که این هم بر دو نوع است. اول: فعلی را انجام می‌دهد که این فعل تأیید ضمنی معامله است مثل اینکه در مال موضوع قرارداد تصرفاتی انجام می‌دهد. دوم: اینکه در ابطال معامله تأخیر می‌نماید که این تأخیر در اعمال حق تأیید ضمنی معامله است که در بند بعدی بتفصیل بررسی خواهد شد.

**بند سوم - تأخیر:** زیان دیده اعمال نفوذ ناروا باید جبران خسارت (فسخ معامله) را در زمانی معقول بعد از برطرف شدن اعمال نفوذی که بر طبق آن بخشش انجام شده است، درخواست کند. اگر او با اطلاع از حقوقش، از درخواست جبران خسارت کوتاهی کند، فرض می‌شود که معامله را تأیید کرده است. ( Treitel. G.H , op.cit. ) (p 385.

**بند چهارم - حقوق شخص ثالث:** از آنجا که معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا قابل ابطال است نه باطل؛ لذا اشخاص ثالثی که منافی در موضوع قرارداد در مقابل عوض و با حسن نیت کسب می‌نمایند، بوسیله شخصی که درخواست فسخ معامله را می‌نماید، نمی‌توانند پس زده شوند. (Betason. J, op.cit, p 286.) به عبارت دیگر شخص زیان دیده نمی‌تواند موضوع معامله را از شخص ثالثی که با حسن نیت بوده و معامله معوض انجام داده، استرداد نماید. ولی اگر معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا باطل بود، شخص زیان دیده می‌توانست موضوع معامله را از شخص ثالث استرداد نماید حتی اگر شخص ثالث با حسن نیت بوده و عوضی نیز داده باشد.

بنابراین قراردادی که بین شخص الف و ب بوسیله اعمال نفوذ ناروا توسط شخص الف منعقد شده، بوسیله فسخ علیه اشخاص ثالثی که حقوقی را در مقابل عوض و بدون آگاهی

از واقعیات تملک نموده‌اند، ابطال نمی‌شود. (Keenan Denis, op.cit, p.132.)  
قراردادی که در نتیجه اعمال نفوذ ناروای طرف قرارداد منعقد می‌شود نه تنها در قبال شخصی که اعمال نفوذ را اعمال نموده، قابل ابطال است بلکه علیه شخص ثالثی نیز که از اعمال نفوذ ناروا مطلع بوده، قابل ابطال است. پول یا مال نه تنها از شخص اعمال نفوذ کننده قابل استرداد است بلکه از شخص ثالثی که عوضی در مقابل مال نداده است نیز قابل استرداد است هرچند که شخص ثالث از اعمال نفوذ ناروا مطلع نیز نباشد. (Betason. J, op.cit, p 286.)

حسن نیت در حقوق شخص ثالثی که مالی به وی از طریق شخص اعمال نفوذ کننده منتقل می‌شود، نقش اساسی بازی می‌کند. به عبارت دیگر اگر شخص ثالث از اعمال نفوذ ناروا مطلع نباشد، با حسن نیت تلقی شده و معامله علیه وی ابطال نخواهد شد. در حالی که اگر شخص ثالث مطلع از اعمال نفوذ ناروا باشد، با حسن نیت تلقی نشده و معامله حتی علیه وی قابل ابطال خواهد بود. هم چنین معوض بودن معامله شخص ثالث با شخص اعمال نفوذ کننده نیز نقش اساسی در ابطال یا عدم ابطال معامله دارد چون اگر شخص ثالث موضوع معامله را در مقابل عوضی از شخص اعمال نفوذ کننده دریافت داشته باشد و مطلع از اعمال نفوذ ناروا نباشد، معامله در قبال وی قابل ابطال نیست ولی اگر شخص ثالث عوضی نداده باشد معامله حتی اگر ثالث مطلع از اعمال نفوذ نیز نباشد، قابل ابطال است. پس معوض بودن و مطلع نبودن شخص ثالث از معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا دو شرط لازم و ضروری برای عدم ابطال قرارداد در مقابل شخص ثالثی است که حقوقی در موضوع قرارداد کسب نموده است.

## فصل دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در انگلستان با حقوق ایران

در فصل دوم که شامل دو مبحث مجزای باشد، اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با معاملات اضطراری اکرایی در حقوق ایران در مبحث اول و اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با اکره در حقوق ایران در مبحث دوم مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

### مبحث اول: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان با معاملات اضطراری اکرایی در حقوق ایران:

اثر اکره بر معاملات در حقوق ایران طبق مواد ۱۹۹ و ۲۰۹ ق.م.ع.م عدم نفوذ عقد اکرایی است و اثر اضطرار بر معاملات، صحت معامله می‌باشد.

اکراه مندرج در حقوق مدنی در جامعه امروزی کمتر اتفاق می‌افتد و از سوی دیگر اضطرار نیز هیچ‌گونه نقشی در عدم صحت معامله و خودداری زورگویان ندارد. ولی خیلی از معاملات هستند که تحت تأثیر گونه‌ی فشار منعقد می‌شوند که از یک‌طرف داخل در قلمروی اکره قرار نمی‌گیرند و از سوی دیگر وارد نمودن آنها در قلمرو اضطرار، دست افراد زورگو را بازتر خواهد نمود؛ لذا یا بایستی چاره‌ی اندیشید و این معاملات را با تفسیر موسع داخل در عقود اکرایی نمود یا اینکه قانون مدنی را در خصوص اکره و اضطرار اصلاح کرد، امری که تاکنون اتفاق نیفتاده است. ولی در حقوق انگلستان در جهت جبران خسارت زیان دیدگان دادگاه‌های انصاف تأسیسی بنام اعمال نفوذ ناروا غیر از اکره ایجاد نموده‌اند که مواردی که در قالب اکره قرار نمی‌گیرند با قاعده اعمال نفوذ ناروا به زیان دیده حق فسخ اعطا نمایند که در مباحث قبلی در این خصوص مفصلاً بحث نمودیم.

متأسفانه رویه قضایی کشور ما برخلاف رویه قضایی انگلستان در خصوص توسعه قلمرو اکره یا مضیق نمودن قلمرو اضطرار قدمی برنداشته است و اصولاً ما در خصوص اکره و اضطرار رویه قضایی مناسبی نداریم و قانونگذاران و رویه قضایی ما

بایستی با توجه به تغییر شیوه‌های تهدید در جامعه امروزی، راه حل مناسبی برای آن پیدا نمایند. چون در جامعه امروزی هیچ کس، شخص دیگر را با تهدید به قتل یا ضرب و شتم و افشای سری مجبور به انعقاد قرارداد نمی‌نماید و فشارها اکنون خیلی پیچیده و غیر مستقیم و ماهرانه بکار می‌روند و در نهایت رضایت شخص را از بین برده و فرد اجباراً به منعقد نمودن قرارداد راضی می‌شود.

در این مبحث ما در صددیم که معاملات اضطراری را که از وضعیت مضطر سوء استفاده شده یا ایجاد وضعیت اضطراری توسط طرف دیگر بقصد وادار نمودن وی به انعقاد معامله می‌باشد، مورد بررسی قرار دهیم و این معاملات را در حقیقت اکراهی تلقی نماییم نه اضطراری؛ لذا عنوان این مبحث معاملات اضطراری اکراهی است یعنی معاملات اضطراری که به‌علت بهره برداری نامشروع از وضعیت مضطر بایستی اکراهی تلقی نمود.

#### گفتار اول: معاملات اضطراری اکراهی در حقوق ایران

همان طور که می‌دانیم اضطرار عیب رضا نبوده و معامله اضطراری نیز صحیح است و مضطر مکره محسوب نمی‌شود (ماده ۲۰۶ ق.م) ولی آیا همیشه این طور است. آیا در حالتی که شخص عمداً حالت اضطرار را به وجود می‌آورد تا فرد را به انجام معامله خاصی اجبار کند و یا شخصی که از اضطرار ایجاد شده سوء استفاده می‌کند، معامله مزبور صحیح است. برای مثال، مسافری که توسط اشخاصی ربوده شده است از رهگذری در خواست کمک می‌کند و به‌ناچار برای راضی نمودن وی مبلغی گزاف را به عنوان پاداش برعهده می‌گیرد، یا حالتی که شخصی دیگری را تهدید به دادن پول نماید تا از این طریق او مجبور شود که خانه‌اش را به او بفروشد و تنها راه رفع تهدید (تهیه پول) فروش خانه می‌باشد و فرد مکره از این مسأله مطلع باشد یا مادری تنها فرزند خود را در خطر مرگ می‌بیند و از تنه‌اجراحی که در دسترس او می‌باشد، درخواست کمک می‌کند ولی پزشک مزبور، با آگاهی از وضع ویژه مادر درمانده مبلغ گزافی دستمزد پیشنهاد می‌کند و مادر به‌ناچار قبول می‌کند... در این سه مثال در ظاهر هیچ نوع تهدیدی برای اجبار شخص به تعهد بکار نرفته است ولی آیا رضای وی به معاملات



مزبور سالم است و عدالت با صحت معاملات مزبور سازگار است. بنظر برخی از حقوقدانان اگر چه اضطرار را متعامل ایجاد نموده باشد تا متعامل را وادار به انجام آن معامله نماید چنانچه هر گاه کدخدای قریه آب به بستان رعیتی ندهد و درختان میوه نیاورد و در اثر آن صاحب بستان پریشان و درمانده شده و بستان خود را به کدخدای مزبور بفروشد تا زندگی خود را بگذراند معامله مزبور صحیح است هر چند که فرد متعامل اضطرار را ایجاد نموده و از آن سوء استفاده نموده باشد. (دکتر امامی سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، ص ۱۹۴، بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، ص ۱۱۷).

ولی یکی از حقوقدانان کشورمان معتقد است که در صورت سوء استفاده از اضطرار اکراه تحقق می‌پذیرد پس بنظر ایشان بایستی شرایط تحقق اکراه را آسان نمود تا بتوان این گونه موقعیتها را در قالب اکراه قرار داد. (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، همان منبع، ج ۱، ص ۵۱۱)

«بنظر می‌رسد که اگر طرف قرارداد یا شخص خارجی موقعیت مضطر را وسیله وارد ساختن فشار بر او قرار دهد، اکراه تحقق می‌پذیرد و قرارداد را غیر نافذ می‌کند. (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۵۱۱)

درخصوص سوء استفاده از اضطرار یا اضطرار اکراهی تنها یک ماده در حقوق موضوعه ما وجود دارد که از این ماده می‌توان در جهت به رسمیت شناختن اضطرار اکراهی و تمایز آن با اضطرار ساده (ماده ۲۰۶ ق.م) و ملحق نمودن آن به اکراه یا نهادی مشابه آن که باعث عدم تنفیذ یا بطلان قرار داد مزبور شود، استفاده فراوان نمود. ماده مزبور ۱۷۹ قانون دریایی ایران می‌باشد که مقرر می‌دارد: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود...»

بنظر برخی از حقوقدانان می‌توان مبنای حکم را در موارد مشابه نیز مورد استفاده قرار داد و به عنوان قاعده بکار برد. و ضمانت اجرای سوء استفاده از اضطرار، چه در مورد تغییر قرارداد و چه درباره ابطال آن بوسیله دادگاه، با قواعد عمومی مدنی تفاوت

دارد و از حقوق فرانسه اقتباس شده است. و این ماده نشان می‌دهد که قانونگذار ما به مرز قاطع و سنتی اکراه و اضطرار پای بند نیست و حداقل سوء استفاده از اضطرار را در نفوذ عقد موثر می‌بیند؛ گامی که منطق حقوق را به سوی «عدالت» می‌برد و بر دامنه اکراه می‌افزاید. (همان منبع، ج ۱، ص ۵۱۲).

هرچند ماده ۱۷۹ فقط مربوط به قرارداد کمک و نجات دریایی با شرایط بالا می‌باشد ولی از ملاک این ماده می‌توان در سایر قراردادهایی که نمی‌توان در قلمرو اکراه قرارداد استفاده نمود و در صورت ناعادلانه بودن آن بوسیله دادگاه آن را تعدیل و باطل نمود. غیر عادلانه بودن قرارداد در تحقق اکراه نقشی ندارد بلکه آنچه مسلم است معیوب شدن رضا است. درحالی‌که در تحقق ضمانت اجرای ماده ۱۷۹ ناعادلانه بودن شرط تحقق تغییر یا بطلان قرارداد کمک و نجات دریایی می‌باشد.

پس از ذکر موارد فوق باید گفت که درحقوق موضوعه راه حل مشخصی برای جلوگیری از سوء استفاده از اضطرار یا اضطرار اکراهی پیش بینی نشده است ولی حقوقدانها با الهام از قواعد حقوقی و مبانی فقهی راه‌حلهایی در این زمینه ارائه نموده‌اند که برخی نادرست و برخی صحیح بوده و برخی در بعضی از موارد صحیح و در بعضی از موارد نادرست می‌باشند که به علت جلوگیری از اطاله کلام فقط به ذکر عنوان آنها بسنده می‌شود.

۱- استناد به خیار غبن

۲- توسل به قاعده رفع

۳- دلیل لاضرر

۴- قاعده نفی عسر و حرج

۵- استناد به نظم عمومی و اخلاق حسنه

۶- استناد به ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران

۷- اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

۸- تسهیل شرایط تحقق اکراه

پس با ملاحظه مطالب فوق می‌توان گفت که معامله اکراهی در حقوق ایران غیر نافذ است و معامله اضطراری نیز طبق ماده ۲۰۶ ق.م.صحيح است ولی اگر شخصی از اضطرار عارض شده بر مضطر سوء استفاده نماید یا اضطرار را عمداً ایجاد نموده باشد تا از این موقعیت سوء استفاده نماید، این اضطرار اکراهی می‌باشد که اگر در قالب ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران قرار گیرد تکلیف مسأله معلوم است و به درخواست طرف زیان دیده دادگاه قرارداد را باطل یا تغییر (تعدیل) خواهد نمود ولی اگر مشمول ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران نباشد راه حلهای متعددی جهت جبران خسارت شخص در نظر گرفته شده است که فوقاً عنوان گردید. مهمترین آنها که در حقوق موضوعه نیز مستند قانونی دارند ۱- تسهیل شرایط اکراه می‌باشد. لذا ماده ۲۰۶ ق.م. که معامله اضطراری را صحيح می‌داند شامل معامله اضطراری اکراهی نبوده و معامله مزبور اکراهی بوده و مشمول ماده ۱۹۹ و ۲۰۹ ق.م. می‌باشد ۲- استناد به خیار غبن (مواد ۴۱۶ به بعد قانون مدنی) ۳- استناد به نظم عمومی و اخلاق حسنه (مواد ۹۷۵ و ۱۰ ق.م.) که از میان سه راه حل فوق راه حل اول جامع و مانع بوده و با اصول حقوقی ما سازگارتر می‌باشد و با قبول این راه حل دیگر نیازی به اصلاح مقررات اکراه و اضطرار احساس نمی‌شود.

### مبحث دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروا در انگلستان با اکراه در حقوق ایران

#### گفتار اول: مقایسه اعمال نفوذ ناروای واقعی با اکراه در حقوق ایران:

در زمانهای قدیم که یک نزدیکی (اختلاط) مداوم ما بین اعمال نفوذ ناروای واقعی با اکراه در حقوق انگلستان وجود داشت، به‌عنوان مثال در پرونده Flower V. saddle دیده شد، جایی که تعهد به پرداختن مبلغی پول بوسیله تهدید به تعقیب جزائی بدست آورده شد بود، رأی داده شد که آن تعهد به‌خاطر اعمال نفوذ ناروا باطل باشد، (Richards. Paul H, op.cit. p 213.) می‌توانستیم بگوییم که اعمال نفوذ ناروای واقعی در برخی موارد با اکراه در حقوق ایران یکی است، هم چنان که در پرونده فوق بیان شد. ولی از آنجا که امروزه چنین پرونده‌هایی در حقوق انگلستان در قلمرو اکراه

۱۲۸ ..... بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ...

قرار می‌گیرد؛ لذا نمی‌توان گفت که اعمال نفوذ ناروای واقعی حتی در برخی موارد نیز با اکراه در حقوق ایران یکی است؛ لذا رابطه بین آنها تبیین است.

**گفتار دوم: مقایسه اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) و نوع دوم (روابط مبتنی بر اعتماد واقعی) با اکراه در حقوق ایران:**

در این خصوص بایستی گفت که از آنجا که برای تشکیل اکراه در حقوق ایران انجام تهدید (چه مثبت و چه منفی) ضروری است و از سوی دیگر در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم - هم چنان که در مباحث قبلی گفتیم - هیچگونه تهدیدی وجود ندارد بلکه فقط سوءاستفاده از رابطه امانی فی مابین است؛ لذا می‌توان گفت که هیچ‌گونه ارتباطی مابین اکراه در حقوق ایران با اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول (روابط خاص) و نوع دوم (روابط مبتنی اعتماد واقعی) وجود ندارد.

### نتیجه

در حقوق انگلستان اعمال نفوذ ناروا همانند اکراه عیب رضا است و اصل رضایت آزاد را از بین می‌برد. در اعمال نفوذ ناروای واقعی هیچ نوع رابطه خاصی بین طرفین وجود ندارد به طوری که هیچ نوع سوء استفاده از اعتماد خاص وجود ندارد و سوء استفاده در خارج از روابط خاص و امانی است.

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول، انواع خاصی از روابط به‌طور خودکار مستلزم وجود اعمال نفوذ نارواست مانند رابطه بین وکیل و موکل، والدین و بچه، امین و ذینفع، قیم و مولی‌علیه، روحانی و مرید و پزشک و مریض (اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول). ولی جایی که هیچ نوع رابطه خاصی وجود ندارد، زیان دیده می‌تواند وجود یک رابطه‌یی که در آن او به خطا کار اعتماد کرده است، اثبات نماید (نوع دوم اعمال نفوذ ناروای فرضی). رابطه شوهر و همسر یک مثال خوب از مقوله روابطی است که در چهارچوب این قسمت قرار می‌گیرد

در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم اگر طرف مقابل اعمال آزادانه اراده

مستقل را اثبات کند، فرض اعمال نفوذ ناروا رد خواهد شد. معمولی‌ترین روش اثبات اعمال آزادانه اراده مستقل آن است که طرف مقابل ثابت کند که زیان دیده مشاوره مستقل پیش از انعقاد معامله دریافت داشته است و مشاوره مزبور باید کامل و مبتنی بر آگاهی از تمام حقایق مربوطه باشد.

اثر اعمال نفوذ ناروا بر قرارداد در حقوق انگلستان این است که به جای بطلان قرارداد، آنرا قابل ابطال می‌سازد، در نتیجه زیان دیده بایستی اقداماتی را برای ابطال قرارداد بوسیله فسخ آن انجام دهد. بنابراین معلوم می‌شود که اثر اعمال نفوذ ناروا بر معامله در حقوق انگلستان مانند اثر اکراه بر معامله در حقوق انگلستان می‌باشد و آن قابل ابطال بودن معامله ناشی از اعمال نفوذ ناروا است در حالی که اعمال نفوذ ناروا در حقوق ایران وجود ندارد و اثر اکراه نیز در حقوق ایران عدم نفوذ است نه قابل ابطال بودن معامله.

هم چنین بایستی گفت که اکراه مندرج در قانون مدنی ایران و انگلستان کمتر اتفاق می‌افتد؛ لذا پیشنهاد می‌شود که بایستی مقررات اکراه اصلاح گردد. این امر در حقوق انگلستان با ایجاد تاسیس اعمال نفوذ ناروا توسط دادگاه‌های انصاف انجام شده است ولی در حقوق ایران این اقدامات انجام نگردیده است و محاکم ما نیز به این علت برخورد مناسبی بازورگویان حرفه‌ای ندارند. چون اکراه مندرج در قانون مدنی سستی بوده و جوابگوی شیوه‌های نوین تهدید که اغلب پیچیده و غیر مستقیم می‌باشند و مشمول اکراه مندرج در قانون مدنی نمی‌باشند، نیست و از سوی دیگر اضطرار نیز موجب عدم نفوذ عقد نیست؛ لذا پیشنهاد می‌شود که مقررات اکراه و اضطرار کشورمان مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و از تجربیات کشورهای دیگر من جمله حقوق انگلستان استفاده گردد ولی از آنجا که تاکنون این اصلاحات اتفاق نیفتاده، بایستی دایره مفهوم اکراه را با تفاسیر حقوقی گسترش داده و برخی معاملات اضطراری را داخل در قلمروی اکراه نماییم. از این معاملات تحت عنوان معاملات اضطراری اکراهی بحث نموده ایم؛ لذا درحالی که شخص عمداً حالت اضطراری را ایجاد نموده تا از این موقعیت سوءاستفاده نماید یا حالتی که شخص وضعیت اضطراری را عمداً ایجاد نکرده است

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۳۰

ولی از این اضطراب ایجاد شده سوء استفاده نموده، داخل در قلمروی اکراه می باشد. معاملات اضطرابی اکراهی در حقوق ایران تشابهاتی با اعمال نفوذ ناروا دارد و آن این است که در هر دو مورد سوء استفاده وجود دارد ولی سوء استفاده در معاملات اضطرابی اکراهی، سوء استفاده از وضعیت مضطر است ولی در اعمال نفوذ ناروای فرضی نوع اول و دوم، سوء استفاده از رابطه امانی فی مابین است و از سوی دیگر هیچ گونه تشابهی مابین اکراه در حقوق ایران با اعمال نفوذ ناروا در حقوق انگلستان نمی توان یافت و هر دو دارای ماهیتهای متفاوت هستند.

هم چنین برخی از معاملات نا معقول در حقوق انگلستان مانند معامله با اشخاص بی سواد و فقیر و معامله جذاب می توانند تشابهاتی با معاملات اضطرابی اکراهی در حقوق ایران داشته باشند.

## منابع فارسی

- ۱- امامی سید حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، جلد ۱، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۲.
- ۲- بروجردی عبده محمد، حقوق مدنی، کتابفروشی محمد علی علمی، تهران، ۱۳۲۹ هـ.ش.
- ۳- حمیم سلیمان، فرهنگ انگلیسی، فارسی حمیم، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.
- ۴- رمضانی نوری محمود، فرهنگ حقوقی انگلیسی، فارسی مدین، چاپ چهارم، چاپ دژ، ۱۳۸۰
- ۵- رنه داوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه دکتر سید حسین صفائی، دکتر محمد آشوری، دکتر عزت الله عراقی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، سال ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۳.

بررسی اعمال نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و ... ۱۳۱

۷- گروه مؤلفان، فرهنگ حقوقی انگلیسی، فارسی مجد، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸.

### منابع انگلیسی

- 1- Amblin. C.H, Wright. F.B, Introducton To Commercial Law Second Edition, Sweet & Maxwell, London, 1982.
- 2- Beatson. J, Anson's Law Of Contract, 27Th Edition, Oxford University Press, Combridge, 1998.
- 3- Birks. Peter, English Private Law , Volume II, Oxford, 2000.
- 4- Blum, Brian A, Contracts – Examples And Explanation, Second Edition, Aspen Law & Business, London, 2001.
- 5- Elliott Catherine And Quinn Frances, Contract Law, Third Edition, Longman, London, 2001.
- 6- Furnston. M.P, Cheshire, Fifoot And Furnston's Law Of Contract, Twelfth Edition, Butterworth. London, 1991.
- 7- Guest A.G And Others, Chitty On Contracts. Volume I, General Principles, Sweet & Maxwell, London, 1968.
- 8- Hornby AS & Ruse Christina, Oxford Student's Dictionary Of Current English, Second Edition, Oxford University Press, 1988.
- 9- Keenan Denis, Advaced Buisness Law, Eleventh Edition, Longman, London, 2000.
- 10- MARTIN. ELIZABET H, Oxford dictionary of law, Fourth Edition , Oxford University Press, 1997.
- 11- padfield. C.F, Law Made Simple, Seventh Edition, London 1989.
- 12- Richards. Paul H, Law Of Contract, Fourth Edition, Finacial Times, London, 1999.
- 13- Treitel G.H, The Law Of Contract, Ninth Edition, Sweet & Maxwell, London, 1995.

تحل